

فی فضیلة امیر المؤمنین ابوبکر رضی الله عنه

خواجه اول که اول یار اوست
ثانی اثنین اذهما فی الغار اوست
صدر دین صدیق اکبر قطب حق
در همه چیز از همه برده سبق
هرچ حق از بارگاه کبریا
ریخت در صدر شریف مصطفی
آن همه در سینۀ صدیق ریخت
لاجرم تا بود ازو تحقیق ریخت
چون دو عالم را به یک دم درکشید
لب بست از سنگ و خوش دم درکشید
سر فرو بردی همه شب تا به روز
نیم شب هویی برآوردی بسوز
هوی او تا چین برفتی مشک بار
مشک کردی خون آهوی تثار
زین سبب گفت آفتاب شرع و دین
علم باید جست ازینجا تا به چین
سنگ زان بودی به حکمت در دهانش
نا به سنگ و هنگ هو گوید زفانش
نی که سنگش بر زفان بگرفت راه
تا نگوید هیچ نامی جز آله
سنگ باید تا پدید آید وقار
مردم بی سنگ کی آید به کار
چون عمر مویی بدید از قدر او
گفت کاش آن مویمی بر صدر او
چون تو کردی ثانی اثنینش قبول
ثانی اثنین او بود بعد رسول